

International Conference on The School of Martyr Soleimani
(ICSMS 2021)

Investigating the characteristics of transcendent spirituality in
Soleimani school (Emphasis on the establishment of Master Shahid
Motahari-Raz-)

Mohammad Javad Rudgar *

Abstract

Comprehensive expression and comprehensive explanation of spirituality in Sardar Soleimani's school based on the interpretation and reading of Master Shahid Motahari (RA) as a system of importance, sensitivity and at the same time has a special necessity Liberals should not replace transcendental spirituality with humanistic and materialist themes or religious spirituality. Transcendental spirituality has a dynamic and stable epistemological geometry in the areas of: 1- Insight 2- Tendency 3- Action 4- Secretary 5- Method. Spirituality that in the field of insight - an attitude based on belief in the unseen and unseen world of the world, in the field of tendency - a secretary based on the "principle of nature" with higher tendencies and existential relationship with God and in the field of action - a method based on "Shari'a Muhammad" (PBUH) And, in fact, it is a school-professional spirituality that the Soleimani school is the manifestation of transcendent spirituality with (transverse) and (longitudinal) surfaces in order to achieve a) monotheistic, worshipful, religious, b) justice-oriented, jihadist, Shari'a and life-giving spirituality. The central issue of the present article is the areas and levels of transcendent spirituality in Soleimani school with the aim of explaining, developing and deepening comprehensive and complete spirituality and a combined method (narrative, rational) that brings out the spirituality experienced in hard and soft war and insures society in moving towards modern Islamic civilization. Spirituality in the context of active resistance, which seeks security and independence in the cultural, political, economic, defense, managerial, and livelihood spheres.

Keywords: *Spirituality, the unseen, the school of Soleimani, the nature and law of the false Muhammad (peace be upon him)*

* Associate Professor, Institute of Islamic Culture and Thought, Faculty of Erfan, Qom, dr.mjr345@yahoo.com

بررسی مختصات معنویت متعالیه در مکتب سلیمانی

(با تأکید بر قرائت استاد شهید مطهری - رض -)

محمد جواد رودگر *

چکیده

بیان همه جانبه و تبیین جامع معنویت در مکتب سردار سلیمانی بر محور تفسیر و قرائت استاد شهید مطهری (رض) بصورت منظومه‌ای از اهمیت، حساسیت و درعین حال ضرورت خاصی برخوردار است تا معنویت جزیره‌ای، جریان‌ی و بریده از حقایق ملکوتی و غیر تمدنی ترویج نشده و معنویت سکولار و لیبرال با بن مایه‌های امانیستی و ماتریالیستی یا معنویت متدانیه جایگزین معنویت متعالیه نشود. معنویت متعالیه دارای هندسه معرفتی پویا و پایا در ساحات: ۱- بینشی ۲- گرایش ۳- کنشی ۴- منشی ۵- روشی است. معنویتی که در ساحات بینشی - نگرشی مبتنی بر اعتقاد به عالم غیب و غیب عالم، در ساحات گرایش - منشی متقوم بر "اصل فطرت" با گرایش‌های عالی و ارتباط وجودی با خدا و در ساحات کنشی - روشی متکی بر "شریعت حقه محمدی (ص)" و در واقع معنویت مکتبی - مسلکی است که مکتب سلیمانی تجلیگاه معنویت متعالیه با ساحات (عرضی) و سطوح (طولی) است تا معنویتی الف) توحیدی، عبودی، ولایی ب) عدالت مدار، جهادی، شریعت گرایانه و زندگی ساز تحقق یابد. مسئله محوری نوشتار حاضر نیز ساحات و سطوح معنویت متعالیه در مکتب سلیمانی با هدف تبیین، توسعه و تعمیق معنویت جامع و کامل و روش ترکیبی (نقلی، عقلی) است که برون داد آن معنویت تجربه شده در جنگ سخت و نرم و بیمه کننده جامعه در حرکت بسوی تمدن نوین اسلامی و معنویت در متن مقاومت فعال که امنیت و استقلال را در عرصه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، دفاعی، مدیریتی و معیشتی بدنبال دارد، است.

کلیدواژه‌ها: معنویت، غیب، مکتب سلیمانی، فطرت و شریعت حقه محمدیه (ص).

۱. مقدمه

در منظومه معرفت اسلامی و مکتب سردار سلیمانی، فطرت دروازه معنویت، ولایت حامل معنویت، عقلانیت حامی معنویت، شریعت جامع معنویت، عبودیت جلوه معنویت، عدالت شاخص معنویت، سیاست عینیت معنویت و توحید غایت معنویت و تمدن نوین اسلامی علامت معنویت است که همه این حقایق الهی در واژه قرآنی "حیات طیبه" متجلی است.

یکی از مفاهیمی که در هندسه معرفت دینی نقش محوری و زیر بنایی دارد «مفهوم معنویت» است، معنویت در جغرافیای معارف و حیاتی و نصوص دینی به معنای «اصالت عالم معنا»، «اصالت عالم غیب» در عین اهمیت جهان ماده، عالم حس و شهادت است، بنابراین «غیب جهان و جهان غیب» مفهومی است که دارای بار هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی خاصی است یعنی «غیب گروی» گفتمان حاکم بر معنویت اسلامی است و در آیه «الذین یؤمنون بالغیب» (بقره / ۳) تجلی یافته است. استاد شهید مطهری (رض) که از شخصیت های محبوب و تفکر ساز سردار سلیمانی است (ظاهراً یکی از آخرین کتابی که سردار سلیمانی در حال مطالعه و یادداشت برداری از آن بود، کتاب "انسان کامل" شهید مطهری بود) و به یک معنا ساختار تفکر دینی و جهان بینی و ایدئولوژی سردار برگرفته از گفتمان استاد شهید بود، ضمن بحث از «غیب» و «شهادت» از حیث مفهوم شناختی به رابطه انسان با جهان غیب و نقش ایمان به آن پرداخته و فرمودند: «اولین هدایت قرآن این است که به انسان ایمان به غیب می دهد» (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۱۳۸-۱۴۱ و ۱۳۸۷ ج ۲: ص ۱۲۲)، سپس آن را از حیث «جهان بینی» مورد بحث قرار می دهد که: «رسالت قرآن مجید این است که انسان را از این دیدگاه تنگ بیرون آورد و او را آگاه و مؤمن سازد که آن چه به صورت شهادت احساس می کند قشر نازکی از هستی است و در ماورای آن، دریای عظیم و بی نهایت هستی است. بهترین نمونه غیب برای انسان، خود وجود انسان است، بدن و تن ما برای خودمان محسوس است و ما بر روان خود نیز آگاه هستیم و این دو قسمت برای ما شهادت است ولی نسبت به دیگران، روان آنها برای ما محسوس نیست، بلکه غیب است ... جالب این است که در روان شناسی امروز مطرح است که انسان غیب دیگری دارد که حتی بر خودش نیز مخفی است و نام آن را «روان نا خود آگاه» می گذارند ... قرآن این مطلب را راجع به کل عالم می گوید و جهان بینی تازه ایی به انسان می بخشد، ملائکه، لوح محفوظ، عرش، کرسی، این ها مربوط به غیب و باطن این عالم اند ...» (همان، ص ۱۲۳ - ۱۲۲)، به همین وزن استاد شهید ایمان را که دارای ساحت بینشی و گرایشی است مقوله ای معنوی دانسته و می فرماید: "ایمان واقعاً یک امر معنوی است" (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۱۵: ص ۹۱۸) معلوم می شود که در نظام فکری استاد شهید و درونمایه مکتب سلیمانی، معنویت امری متعالیه بوده و با حقیقت وجودی و ملکوت انسان و جهان و در ارتباط آگاهانه با مبدأ هستی یا خدای سبحان و "حقیقه الحقایق" و باور یقینی به "معاد و حیات آخری" از رهگذر ایمان به اصل "نبوت و امامت" است. در مکتب سلیمانی راه معنویت در درون انسان تعبیه شده و "فطرت"، "من علوی" و "خود حقیقی" صراط سلوک معنوی بسوی خداست. و گزاره در از درون در ارتباط با خدا بودن و از انسان به خدا راه یافتن، نقش کلیدی در تعریف و تحقق معنویت متعالیه

صائب و صادق دارد. بنابراین خودشناسی و خودسازی با هدف خداشناسی و خدایابی دو عنصر بنیادین در معنویت اصیل خواهد بود. در مکتب سلیمانی معنویت توحیدی، عبودی و ولایی زیرساخت انقلابی بودن، انقلابی ماندن و عملگرایی در ساحت جهاد در جبهه های سخت (جهاد بیرونی - نظامی و دفاعی) و نرم (جهاد درونی - فرهنگی - فکری و تبیینی) در نتیجه معنویات و اجتماعیات قرین و رهین هم هستند و انقلابی گری با عقلانیت و معنویت درهم تنیده اند نه اینکه معنویت تحریف شده، انحرافی، التقاطی و حتی تفسیر به مادیت شده و تقلیل گرایانه مقصود باشد. این است که در مکتب سلیمانی عملاً بر اساس تفکر استاد شهید مطهری با تبیین های انحرافی و تحویل گرایانه از معنویت مبارزه شده و مورد نقادی قرار گرفت، زیرا در نظر استاد شهید اولاً تفسیر معنویت به مادیت مردود قلمداد شد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۴: ص ۲۵۹) ثانیاً معنویت منهای خدا نقد و نفی شد (ر.ک: مرتضی، ۱۳۸۳، ج ۲۲: ص ۴۶۶). ثالثاً با تبیین های تحویل گرایانه معنویت یا تنزل معنویت به مادیت نیز مقابله شد، چنانکه می فرمایند "متأسفانه موج اندیشه های محدود مادی و حسی که از مغرب زمین برخاسته به آنجا کشیده که گروهی اصرار دارند همه مفاهیم عالی و وسیع و گسترده جهان بینی اسلامی را تا سطح محسوسات و مادیات تنزل دهند" (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲: ص ۱۳۸-۱۴۱). روشن است که معنویت محدود شده به مادیت و معنویت منهای خدا و تقلیل یافته به محسوسات و نفسانیات، "معنویت متدانیه" و معنویت مبتنی بر اعتقاد و ایمان به خدا، حقایق وجودی و جامع تمامی نیازهای مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، دنیائی و آخرتی انسان "معنویت متعالیه" ای است که مکتب سلیمانی، منادی و مروج آن هست. معنویت متعالیه، معنویت مبتنی بر اندیشه، انگیزه و انگیزه توحیدی - ولایی است که ثمره اش حیات معنوی اسلامی فریبنده و مبتنی بر رشد متوازن جوهری اشتدادی برای رسیدن به "حیات طیبه" است که از: ۱- مبانی هستی شناختی ("غیب"، "عالم باطن"، مبدأ و معاد) (ر.ک: همو، ۱۳۸۷، ج ۲۶: ص ۹۱-۹۰، ۱۳۸۳، ج ۲۳: ۶۴۵-۶۴۰)، ۲- مبانی انسان شناختی ("فطرت"، غیب و باطن وجود انسان") (ر.ک: مرتضی، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ص ۳۸۰-۳۹۹، ۱۳۸۳، ج ۲۲: ص ۴۱۹، همو، ۱۳۷۸، ج ۳: ص ۵۳۹)، ۳- مبانی معرفت شناختی (معرفت ادراکی (عقل)، معرفت اشراقی - شهودی (دل) (ر.ک: همو، ۱۳۸۷، ج ۲۶: ص ۶۰-۶۷، همان، ص ۷۸-۶۹، همو، ۱۳۸۳، ج ۲۳: ص ۴۶۱) ۴- مبانی غایت شناختی (ولایت الهیه و قرب و لقای رب، تخلق با خلاق الهی) برخوردار است.

اگرچه در باب معنویت اعم از معنویت اسلامی و سکولار کتب، مقالات و رساله های مختلفی نوشته شد، لکن تاکنون در خصوص معنویت متعالیه در مکتب سلیمانی مبتنی بر قرائت استاد شهید مطهری (رض) مکتوبی مشاهده نشد.

۲. بیان مسأله

گرایش به معنویت، امری فطری است که در انسان تعبیه شد، گرایشی عالی که همواره در اوج چالش های زندگی و تضاد زیستی تجلی یافته و حتی اگر انسان نسبت بدان گرفتار فراموشی یا غفلت شود، باز هم نیاز بالفعل درونی اوست و در بهترین شرایط آسایش زندگی نیز در جستجوی آرامشی است که تنها از طریق معنویت فطری و متعالیه قابل حصول و وصول است و تجربه زیستی انسان در طول قرون متمادی بویژه در قرون اخیر بیانگر همین نکته نغز و نیاز محور است



که علیرغم وجود امکانات و ابزار آسایش، معنویت گمشده و حلقه مفقوده زندگی اوست، لکن کدام معنویت با چه فهم و قرائتی؟ معنویت فیزیکی و سکولار یا معنویت روان شناختی و فراروان شناختی یا معنویت منهای خدا، یا معنویت وحی ستیز و عقل گریز یا معنویت خنثی و انفعالی که همه آنها معنویت تحویل گرایانه و تقلیل یافته و متدانیه است یا معنویت وحیانی عقل گرا و فعال و درعین حال آرامش زای پایدار و پویا که عدالت را درطول عقلانیت و درمتن زندگی و سیاست جستجو کرده و متجلی می سازد؟ بدین جهت یکی از پرسش هائی که می توان درمکتب سلیمانی طرح و سپس تبیین و تحلیل کرد این است که معنویت متعالیه در این مکتب چیست و از چه مختصاتی برخوردار می باشد؟ بنابراین مسئله این است که معنویت درمکتب سلیمانی با قرائت استاد شهید مطهری (رض) که سردار سلیمانی مبانی فکری و معرفتی اش را در همه ساحات و سطوح اعتقادی از او درک و دریافت کرد و درپرتو اندیشه های عمیق و عریق امام خمینی (رض) و مقام معظم رهبری رشد و تعالی داده و استحکام بخشید، از چه بارمعنائی - مفهومی و خصوصیات معرفتی - مصداقی برخوردار است؟ بدین جهت تبیین معنویت در مکتب سلیمانی یک ضرورت اجتناب ناپذیر و تکلیف معرفتی - سلوکی برای نسل های امروز و فردای جامعه اسلامی و انسانی است

۳. مفهوم معنویت متعالیه

شناخت دقیق و همه جانبه مفاهیم مهمترین مانع مغالطات لفظی و معنوی در حوزه معرفت است، زیرا تلقی و تصور درست از مفاهیم می تواند جلوی انحراف از مسیر و تحریف محتوایی را بگیرد و به همین وزن است که اهل منطق و فلسفه گفته اند "تصدیق بلا تصور محال است" بنابراین هرگونه تصدیق ایجابی یا سلبی در تحقیق مورد نظر ما متفرع بر درک و دریافت صائب و صادق از مفهوم معنویت متعالیه است (شیروانی، ۱۳۷۳: ص ۴۲).

حیات و زیستنی که در آن اعتقاد به خدا (اندیشه ای-بیشی، علم صائب)، ارتباط با خدا و قرب وجودی به حق، اخلاق صادق (انگیزه ای- گرایشی)، مناسبات رفتاری و افعالی خالص یا عمل صالح (انگیخته ای - کنشی)، در همه ارتباط های چهارگانه درپرتو ارتباط با انسان کامل معصوم (ع) بصورت جوهری اشتدادی تحقق می یابد، معنویت متعالیه است. به بیان دیگر معنویت دارای هویت تثلیثی: علم صائب، اخلاق صادق و عمل صالح است که گفتمان حاکم بر آن "توحید"، مدارتحقق آن شریعت محمدی (ص) و روح و جانمایه اش "امامت و ولایت" برمحور درجات وجودی طیف و طبقات گوناگون انسانها خواهد بود. همانطوری که در قرآن کریم با واژه ها و مفاهیمی متکثری برخورد می کنیم که بیانگر مرتبه پذیری سلوک معنوی و باطنی است، مثل: «یا ایها الذین آمنوا...» (مائده/ ۱۰۵)، «والذین اهتدوا زادهم هدی و آتاهم تقواهم» (محمد/ص) / ۱۷، «وإذا تلیت علیهم آیاتهم زادتهم ایماناً...» (انفال/ ۲) و یا آیاتی که بحث «درجه» را مطرح فرمود مثل: «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین أوثوا العلم درجات» (مجادله/ ۱۱)، «تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض منهم من كلم الله ورفع بعضهم درجات...» (بقره/ ۲۵۳)، «درجات منه ومغفرة ورحمة وكان الله غفورا رحيما» (نساء/ ۹۶)، «وتلك حجتنا آتيناها إبراهيم على قومه نرفع درجات من نشاء إن ربك حكيم عليم» (انعام/ ۸۳)، «وهو الذي جعلكم خلائف الأَرْضِ

وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ... (انعام / ۱۶۵) و سپس در تفسیر درجه پذیر بودن و درجه شدن انسان -ها در سیر و سلوک الی -الله می -فرماید: «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ» (انعام / ۱۳۲) یا فرمود: «وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُؤْتِيَهُمْ أَجْرَهُم بِمَا عَمِلُوا» (احقاف / ۱۹) چنانچه معرفت و علم را امتیاز و درجه برای انسان معرفی کرد (مجادله / ۱۱) مجاهدت در راه خدا را نیز عامل امتیاز و برتری و درجه -آفرین معرفی کرد: «فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء / ۹۵) چنانکه فرمود: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (توبه / ۲۰) و در مجموع آیاتی از قرآن هست که دو مرحله تکاملی انسان معنوی را بصورت جامع و تمام عیار مطرح کرد: الف) «لهم درجات...» (انفال -۴) ب) «هُمُ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» (آل عمران / ۱۶۳) بنابراین معنویت متعالیه ذو مراتب و تشکیکی است که مراتب و تشکیکی بودنش نیز متناظر به مراتب معرفتی - معنوی آدیان در سیرانفسی و صیوروت وجودی آنهاست.

۴. مفهوم مکتب سلیمانی

مکتب در تعریف معرفتی به مجموعه جهان بینی (هست و نیست ها) یا ساحت بینشی - نگرشی و هندسه معرفتی در تفسیر درست و دقیق از خدا، انسان و جهان و ایدئولوژی (باید و نبایدها) یا ساحت گرایشی - کنشی و نظام ارزشی برای زیست معقول و حیات طیبه اطلاق می شود. بنابراین یک مکتب جامع شامل هر دو وجه نظام منسجم باورداشتها و نظام منسجم رفتاری خواهد بود. بنابراین واژه مکتب یا School متناظر به دانش و دانشمندان یا معطوف به حوزه های علوم فلسفی و اجتماعی - سیاسی بارمعنایی و مختصات خاص به خود را خواهد داشت. در نوشتار حاضر، مقصود از مکتب سلیمانی، مکتبی است که اصول و مبانی، مولفه ها و ویژگی ها، منش و روش ها، سبک زندگی، شاخص ها و کارکردها بصورت منظومه ای نه جزیره ای جمع شد و در یک شخصیت معقول و معتدل از حیث بینشی، گرایشی و کنشی تجلی کرد. شخصیتی که در تکامل تدریجی و اشتداد جوهری وجودی اش در طول چهل سال (که می توان آنرا اربعین سلوک سلیمانی نام نهاد) رشد یافته و از فردیت محض خارج و به یک مکتب تبدیل شد.

۵. مختصات معنویت متعالیه

معنویت متعالیه در مکتب سلیمانی مختصاتی دارد که بیان و تبیین آنها هم در معناشناسی معنویت متعالیه و هم در مصداق شناسی از حیث ایجابی و هم در سنجش و ارزیابی و نقد معنویت متدانیه نقش بسزائی دارد. مختصات معنویت در مکتب سلیمانی واقعیات زیست معقول و معنوی سردار مجاهد و انقلابی و در عین حال بصیر و شجاع بود که اکنون می تواند در معنویت سازی و نوسازی معنوی جامعه اسلامی، بویژه نسل جوان معناگرا در گام دوم انقلاب اسلامی و حرکت بسوی دولت، جامعه و تمدن نوین اسلامی از کارآمدی خاص و کارکردهای گوناگونی ایفای نقش نماید و



از آنجائی که نمی توان همه مختصات را تبیین کرد، به برخی از آنها با تفسیر و تلقی استاد شهید مطهری (رض) متناظر به مصادیقی از معنویت در متن زندگی سردار سلیمانی عزیز اشاراتی خواهیم داشت:

۵-۱. فطری بودن

یکی از مختصات معنویت متعالیه فطری بودن، فطرت پذیری و فطرت پسندی است. معنویتى که با جان انسان عجین شده و سرشته در سرشت آدمی است. معنویت قرین روح الهی و نفخه ربانی، نفخه سبحانی و اشراق شده در جِبَلت و فطرت اوست، به تعبیر شهید مطهری: «طبق نظر اسلام، انسان یک حقیقتی است که نفخه الهی در او دمیده شده و از دنیای دیگری آمده است و با اشیائی که در طبیعت وجود دارد، تجانس کامل ندارد. انسان در این دنیا، یک نوع احساس غربت و احساس بیگانگی و عدم تجانس با همه موجودات عالم می کند؛ چون همه فانی و متغیر و غیر قابل دلبستگی هستند ولی در انسان دغدغه جاودانگی وجود دارد. این درد همان است که انسان را به عبادت و پرستش خدا و راز و نیاز به خدا و به اصل خود نزدیک شدن می کشاند.» (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۳: صص ۱۳۵ و ۱۳۶) یا می فرماید: «انسان همواره دروازه معنویت و غیب و ملکوت بوده است» (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۷، ج ۱۱: صص ۳۸۰-۳۹۹) سردار سلیمانی با آگاهی و گواهی همه جانبه معنویت فطری اش را پاسداری کرد، به بیان دیگر گرفتار «معصومیت از دست رفته» نشد و فطرت معنوی اش را از همه خطرات و آسیب ها مصونیت بخشید. گو اینکه همواره طهارت درونی و نورانیت فطری اش را در طول سالهای نوجوانی و جوانی مراقبت کرد تا توانست در مابقی عمر مبارک خویش در خط جهاد اوسط (جهاد اخلاقی) و اکبر (جهاد سلوکی - عرفانی) برای جهاد اصغر (جهاد با دشمن برون) و شهادت گام بردارد و هجرت آفاقی و انفسی را تجربه کرده و در فرجام سعادت مندانه اش سیدالشهدای مقاومت گردد.

۵-۲. یاد خدا

در مکتب سلیمانی «یقظه» که یا اولین منزل و یا صفتی متناسب با هر منزل سلوکی در ساحت معنویت متعالیه است، حضور بلکه ظهور بالفعل و فعال داشت. یقظه نسبت به یاد خدا، یادی که عامل زیربنائی تعالی و اشتداد و مراقبت از معنویت حقیقی است و یقظه در دو بخش: ۱- یاد خدا بودن و غیر او را از یاد بردن ۲- عدم غفلت از یاد خدا و جاری کردن وصیانت آن در عبادات خاص (عبادات مشخص دینی که در شریعت مثل نماز، روزه و.. تعیین و تکلیف شد) و عبادات عام (هر کاری که برای خدا انجام گیرد) که به تعبیر استاد شهید مطهری: روح عبادت تذکر است، یعنی یاد خدا بودن و از غفلت از خدا خارج شدن (همو، ۱۳۸۷، ج ۲۶: صص ۶۳۶) عبادت دارای پیکر و روح، ظاهر و باطن و جسم جان است، روح عبادت وابستگی کامل معبود، عشق و شیدایی او و وصل به اوست و البته به میزان معرفت، محبت و خلوص عابد در عبادت و عبودیت کاملاً مرتبط است تا نحوه قرار گرفتن او در بساط قرب را نشان دهد (ر.ک، همو، ۱۳۷۸، ج ۱۶: صص ۴۱۵ - ۴۱۴) و استاد شهید مطهری (رض) با نهایت دقت و عمق اندیشی فرموده اند: «ریشه همه آثار معنوی اخلاقی و اجتماعی که در عبادت است در یک چیز است یاد حق و غیر از او را از یاد بردن» (همان: صص ۴۱۷).

سردار سلیمانی عزیز تمام مراقبت هایش برای این بود که در حرم الهی، حرامیان حریم نکنند و هتک حرم دوست

نشود که امام صادق (ع) فرمود: "القلب حرم الله فلا تسکن فی حرم الله غیر الله" (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷:ص ۲۵) والبته چنین مراقبتی سخت است و صعب لکن ممکن است و لطافت بخش... پس مراقبه در: "اذکرونی اذکرکم" شاید این است معنای شعر بابا طاهر: "خوشا آنان که دائم در نمازند" و نماز برای یاد خداست که: "اقم الصلوه لذكری" (طه/۱۴) و سردار آسمانی ما همواره بیاد خدا بود و در دل و جاننش عشق به خدا... او از خدا جز خدا نخواست و در تمام عمر اخلاص را تمرین کرد و به منصف ظهور رساند تا جائی که مولای و مقتدایش در وصفش چنین فرمود: "او شجاعت و تدبیرش را برای خدا خرج می کرد و اهل تظاهر و ریا نبود که ما نیز باید برای دستیابی به این ویژگی بسیار مهم یعنی اخلاص، تلاش و تمرین کنیم" (بیانات امام خامنه ای: ۱۸ دی ۱۳۹۸) آری مردان خدا از خصوصیات توحیدی متناظر به هم در همه ابعاد و عرصه ها برخوردارند.

۳-۵. زیربنای تکامل

معنویت متعالیه و حیانی که متقوم بر "ایمان به غیب" است، پایه تکامل و زیربنای آن است. به تعبیر استاد شهید مطهری: «از نظر قرآن، معنویت پایه تکامل است. این همه عبادات که در اسلام بر روی آن تکیه شده است، برای تقویت جنبه معنوی روح انسان است...» (مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، ج ۲۴:ص ۲۵۸) و سردار سلیمانی راه تکامل را در صراط مستقیم انقلاب اسلامی یافت و در طول چهل سال در این راه استقامت ورزید. تکامل انقلابی و شدن مجاهدانه داشت و معنویت را گرانگاه و مرکز ثقل تکامل خویش در ابعاد فردی و اجتماعی قرار داد. او در هیچ فعالیت جهادی اجتماعی اش از نماز اول وقت، راز و نیاز با خدا، توسل به اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، مراقبت در اخلاص و خلوص وجودی اش غفلت نکرد. همواره روح خود را با ذکر خدا و دعا به درگاه محبوب و بندگی در برابر معبودش متناسب با نوع و جنس فعالیت خویش تقویت و بازسازی و نوسازی می کرد و با انرژی مترکم درونی - روحی در تمامی جنبه های داخلی، خارجی، ملی، فراملی و بین المللی حضور یافته و هرگز در برابر وسوسه های شیطان بیرون و درون کم نیامد. اینگونه بود که سردار سلیمانی نمونه کامل مبارزی با تقوا و اخلاص بود. یعنی مبارزه به تنهایی برای او معنا نداشت، بلکه مبارزه مملو از معنویت و برای خدا بودن برای او اصالت داشت. سرداری که شبهای احیاء خلوت انسی با خدای خویش داشته و در ایام محرم و شهادت امام حسین (ع) منقلب شده و اشک فراوانی از چشمانش جاری می شد، همواره به بازتولید معنویت در خود اهتمام ورزیده و روح خویش را روحانی تر و دلش را نورانی تر می کرد و این معنویت و نورانیت سردار بود که او را محبوب قلوب و سردار دلها کرد و تکامل در همه ابعاد را سرنوشت او در زیست این جهانی اش قرار داد. آری معنویت متعالیه جهادی - انقلابی سردار سلیمانی بود که او را از خود شخصی برون برد و به خود جهانی رساند، زیرا او از خود خاکی بدرآمد و خودی خدائی یافت و وجودی منحصر به فرد در عالم مقاومت یافت. به تعبیری "شهید قاسم سلیمانی، تکرار تاریخ و نسخه دوم هیچ فرد و مقلد هیچ کس نبود، بلکه به دلیل انتہاناپذیری ابعاد وجودی، تاریخ ساز واقع شد. در این ارتباط کافی است اندکی به مشهورترین روزنامه ها، سایتها و مجلات جهان نظری افکنده شود، از جمله معتبرترین مجلات و روزنامه های جهان او را جزء ۱۰ چهره تأثیرگذار معرفی

کرده‌اند" (روزنامه اطلاعات، ۲۴ بهمن ۹۸).

۴-۵. خردگرایی

در معنویت اسلامی عقل و خرد از اصالت و اعتبار ممتازی برخوردار است، زیرا وقتی به تعبیر استاد مطهری در آموزش‌های اسلامی اصالت از ان عقل باشد (مطهری، ۱۳۷۵:ص ۱۵۴، همو، ۱۳۷۶، ج ۱: ص ۲۴۷) معنویت که یکی از آموزه‌های بسیار مهم اسلامی است نیز بر عقل و عقلانیت نهاده شده است و اساساً انسانی که از حیثیت عقلی تفسیر جامع و کاملی از خود و خدا ندارد چگونه می‌تواند بین خود خدا رابطه حقیقی و کار آمد برقرار سازد و انسانی که تفسیر و تلقی معقول از هستی نداشته باشد نمی‌تواند به رشد و تعالی خویش پردازد به تعبیر استاد مطهری: رشد و تکامل حقیقی آنجاست که یک واقعیت یعنی از مرحله دانی به مرحله عالی تر برسد (همو، ۱۳۷۸، ج ۳: ص ۳۴۲) و اگر انسان رشد شناختی نداشته باشد و از عوالم هستی و مراتب وجود خویشتر درک و دریافتی عقلانی و مطابق با واقع پیدا نکند سیر و سلوک عقلی و قلبی برای او دشوار یا ناممکن خواهد شد.

عقل معیار فضیلت، مبنای ایمان، ملاک آرامش درونی است چنانکه دلیل مومن، فضیلت انسانی موهبت الهی، حجت درونی و پیامبر باطنی قرار گرفته است حال عسکر می‌شود در معنویت انسان از عقل گریزان باشد؟ معنویتی که نه‌ای عقل و خرد باشد به یقین معنویت سازنده و کارگشاه و گره گشا نخواهد بود که در حدیث آمده است: «العقل رقی فی طی علیین» (جمال خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۱: ص ۳۵۰) البته عقل باید آزاد باشد تا هرآورد معرفتی و معنوی داشته باشد به تعبیر استاد مطهری: اگر عقل انسان آزاد باشد، در امور آن طور قضاوت می‌کند که در واقع نفس الامر چنان است: خوب را خوب و بد را بد می‌بیند (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۳: ص ۷۷۳). بنابراین رابطه عقل و معنویت رابطه متقابل است عقل به معنویت و معنویت به عقل احتیاج دارد که هرگز انسان بی‌نیاز از نور افکن عقل نمی‌شود (همان: ص ۷۷۸). سردار سلیمانی نمونه باهر و مصداق بارز خردمندی و هوشمندی در سلوک معنوی پایدار و بالنده اش بود و هرگز عقل و تدبیر از معنویت و توکل و تلاش او فاصله نگرفت، او معنویت گرای مدبر و مدبری معنویت گرا بود.

۴-۵. عدالت محوری

یسردار دلها عدالت را در متن زندگی اش پیاده کرده و چشید و در اعتقاد و اخلاق و عمل عادل، عدالت خواه و بالاتر عدالت گستر بود و در این زمینه هزینه کرد و سرمایه گرانسنگ آبرو تا جانی خویش را هدیه تحقق امنیت برای اقامه عدالت اجتماعی کرد تا ترابط و تعامل عدالت و معنویت برقرار شده و در طول هم باشند که استاد شهید مطهری در این زمینه دو نکته نغز و پرمغز یا حکیمانه فرمود، الف): «اگر در جامعه ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد، پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود. منطق اسلام این است که معنویت را با عدالت توأم با یکدیگر می باید در جامعه برقرار کرد. در جامعه ای که عدالت وجود نداشته باشد، اخلاقی که در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی مطرح است، اخلاقی فراگیر و جامع الابعاد است که فرد، خانواده و جامعه را در حوزه های مدیریت، سیاست، اقتصاد و تجارت، قضاوت، روابط سیاسی و بین‌المللی و... شامل می‌شود. هزاران هزار بیمار روانی به وجود می‌آیند، محرومیت‌ها، ایجاد عقده‌های

روانی می کند و عقده های روانی تولید انفجار...» (همان:ص ۲۷۵ ب): "متأسفانه صرفاً بر روی عدالت فکر می کنند، تصور می کنند بدون معنویت عدالت امکان پذیر است. ولی اولاً از یک سو معنویت در قرآن قابل توجیه و تأویل نیست، و از سوی دیگر بدون بال معنویت از بال عدالت کاری ساخته نیست. از نظر قرآن، معنویت پایه تکامل است... در مورد علی علیه السلام اگر عدالت اجتماعی او را می بینیم و کار کردن ها و بیل زدن ها و عرق ریختن هایش را مشاهده می کنیم، باید در دل شب غش کردن هایش را هم ببینیم، آن از خوف خدا بیهوش شدن هایش را هم نظاره کنیم. اینها واقعیات تاریخ اسلام هستند... انقلاب ما در آینده در کنار عدالت اجتماعی به مقیاس اسلامی، نیاز به معنویتی گسترده و شامل دارد، معنویتی از آن نمونه که در پیامبر و ائمه دیده ایم" (مرتضی، ۱۳۸۵، ج ۲۴:ص ۲۵۹) و آنگاه با درایت هر چه تمام تر فرمود: «انقلاب اسلامی ما نیز اگر می خواهد با موفقیت به راه خود ادامه دهد، راهی جز اعمال چنین شیوه ها و بسط روش های عدالت جویانه و عدالت خواهانه در پیش ندارد.» (همان:ص ۲۳۴) و سردار سلیمانی با درک درست و دقیق از این ترابط و تعامل اولاً در متن زندگی اش معنویت و عدالت را صیانت و متبلور ساخت و ثانیاً برای تجلی و تحقق آنها جهادخستگی ناپذیر داشت.

۵-۶. اعتدال و توازن

انسان معنوی، انسان متعادل است یا باید باشد زیرا معنویت بدون تعادل و توازن به ضد خویش تبدیل خواهد شد و آدمی را از رشد در ابعاد دیگر محروم می کند و ممکن است با عدم رشد در همان ابعاد معنویت حاصل شده گرفتار خلاء شود. از سوی دیگر معنویت نیاز روح انسان و روح محتاج تکامل و توسعه وجودی است و چنین توسعه های باید همه جانبه و فراگیر باشد که در تربیت اسلامی به همه جنبه های روح انسان توجه شده است به تعبیر استاد مطهری: "روح انسان دارای پنج بعد یا استعداد است ۱. استعداد عقلی (عملی و حقیقت جویی) ۲. استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی) ۳. استعداد دینی ۴. استعداد هنری و ذوقی ۵. استعداد اخلاقی، آفرینندگی، ابتکار و ابداع که همه باید در سایه تربیت اسلامی و معنوی رشد یابند و رشد آنها نیز متعادل و متوازن باشد" (همو، ۱۳۸۳، ج ۲۲:ص ۵۵۸ و ص ۶۹۳ - ۶۸۸) سردار سلیمانی معنویت یکجانبه گرا و رشد کاریکاتوری نداشت، بلکه معنویت جامع و منظومه وار هماهنگ باهم در همه ساحات عاطفی، عقلی، عاشقانه و جوی اش داشت. زندگی سردار شاهد بر این مدعاست، او معنویت را در همه حالات و حرکات، قیام و قعود، سکوت و سخن، زیست در خانواده و جامعه، زندگی سیاسی و امنیتی و حیات اقتصادی - معیشتی اش تجربه کرده و سرمایه ها و استعدادهای خود را بصورت همگرا و متوافقی متناظر بهم رشد و فعلیت بخشید.

۵-۷. تقوی گرائی

معنویت مبتنی بر تقوایی است که از صیانت نفس، خدا شناسی و خدا گرای و خدا پرستی تغذیه شده و تحقق می یابد و بر حسب مراتب و سلوک دارای مراتب تقوای عام، خاص و اخص هست که در آن خوف از جهنم و عذاب خدا تا شوق به بهشت و رحمت الهی و تا عشق به دیدار معبود حقیقی و محبوب راستینی ظهور دارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۳، ج

۲۳:ص (۶۵۹) و البته تقوای ستیز یا تقوای نوع اول یعنی حفظ خود از آلودگیهای معاصی و تقوای نوع دوم یعنی قوت و قدرت روحی یافتن تا مصونیت روحی اخلاقی پیدا کند و تا رسیدن به مقام ولایت الهی که مقام قرب است و شهود همه عالم و آدم تحت ولایت الهیه است سیر نماید نیز در معنا و مصداق تقوی نهفته است (همان ص ۶۴۹-۶۹۲) و همه تقوی و مراتب آن حاکی از شریعت گرایی و ریاضت‌های مشروع است که علی(ع) فرمود: "هی نفسی اروضها بالتقوی" (نهج البلاغه- نامه: ۴۵). پس در تقوی هم "ترک و سلب" است و هم "درک و ایجاب" یعنی اموری را "نباید" انجام دهد و اموری را "باید" انجام دهد و به تعبیر دیگر همان بایدها و نبایدهای شرعی، اخلاقی و سلوکی که مراتب خاص به خود را دارد و شرعیت که روح تقواست نیز دارای ظاهر باطن و آداب و اسرار است و به تعبیر استاد شهید مطهری: "به هر حال تقوا، اعم از تقوای مذهبی و الهی و غیره، لازمه انسانیت است" (مطهری، ۱۳۸۳ ج ۲:ص ۶۹۷) خاطره شنیدنی فرمانده سپاه استان کرمان از سردار دل‌ها سلیمانی عزیز که از زبان او نقل کرد: "از خدا خواستم اینقدر به من مشغله بدهد که حتی فکر گناهم نکنم" (خاطره راز محبوبیت: تاریخ ۹۹/۵/۲۲) یا سردار آسمانی ماندکی قبل از شهادت در دست نوشته ای به یاد ماندنی و آموزنده نوشته اند: "خداوندا مرا پاکیزه بپذیر" (دست نوشته ی ۱۲:دی ماه ۹۸) گواه روشنی از اوج رعایت تقوای الهی در دو ساحت رفعی و دفعی است و تقوی ضبط نفس، خویششن بانی و مالکیت بر نفس است که در پرتو مراعات حدود الهی و دستورالعمل‌های شرعی حاصل شدنی است و به تدریج انسان معنوی و متقی را بر درون و برونش تسلط و حاکمیت می بخشد و دارای ثمرات سلوکی اعم از ثمرات معرفت شناختی مثل: علم عنایی- افاضی، حالت فرقان و تمییز و تشخیص حق از باطل و ثمرات کارکردی مثل ادراک منازل و مقامات معنوی، تجربه‌های سلوکی، تمثلات برزخی و شهودی سالم، صائب و صادق داشته و نتایج عینی و آزادیهای معنوی و اجتماعی به بار می آورد، استاد شهید در این زمینه می‌نویسد: «تقوی در درجه اول و به طور مستقیم از ناحیه اخلاقی و معنوی به انسان آزادی می‌دهد و او را از قید رقیّت و بندگی هوا و هوی آزاد می‌کند، رشته حرص و طمع و حسد و شهوت و خشم را از گردش بر می‌دارد، ولی بطور غیر مستقیم در زندگی اجتماعی هم آزادی بخش انسان است» (مطهری، ۱۳۸۳ ج ۲:ص ۶۹۹) بنابراین معنویت بدون رعایت تقوی و مراعات حدود شرع در حقیقت معنویت نیست و انسان را وارد عرصه روشن بینی، بصیرت وجودی، رهایی از وابستگی‌ها، تنگناها و محدودیت‌ها نمی‌کند و انسانی که از حیث معرفتی دارای ضمیر روشن و نافذ و از جهت علمی - رفتاری گرفتار بن بست‌ها و محدودیت هاست «اهل معنا» و معنویت گرا نیست. (ر.ک: همان ص ۷۱۰-۷۰۹) و استاد شهید مطهری (رض) در خصوص گناه گریزی و گناه ستیزی از تقوای جهادی و مجاهدانه سخن به میان آورده اند و فرمودند: "آیا دور کردن اسباب گناه از خود، برای دست‌یابی به تقوای واقعی کفایت می‌کند؟ در کتب اخلاقی گاهی از دسته‌ای از قدما یاد می‌کنند که برای آنکه زیاد حرف نزنند و سخن لغو یا حرام به زبان نیاورند، سنگریزه در دهان خود می‌گذاشتند که نتوانند حرف بزنند، یعنی اجبار عملی برای خود درست می‌کردند. معمولاً دیده می‌شود که از این طرز عمل به عنوان نمونه کامل تقوا نام برده می‌شود، در صورتی که «اجبار عملی به وجود آوردن» برای پرهیز از گناه و آن‌گاه ترک کردن گناه، کمالی



قبول داشت. در نتیجه سلوک بیشی و معرفتی اش ولایی و آنگاه سلوک گرایشی، معنویتی و کنشی اش در ساحت اجتماعی و سیاسی ولایی بود. براین اساس باتمام وجودش به امام خمینی (رض) عشق می ورزید و باور داشت و از عمق باورهایش می گفت: "هر کس با امام در افتاد، ورافتاد. هر کسی با این مرد الهی و برجسته یعنی امام رحمه الله علیه که با خدا معامله می کرد، در می افتاد، و در می افتاد، چه اشخاص، چه حکومت ها و چه جمعیت های مختلف" (اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸:ص ۹۳) و عملیات های جبهه را "عملیات ولایت" می نامید (ر.ک: همان:ص ۱۲۳) و می گفتند: "بیش از ۹۰ درصد از رزمندگان امام را از نزدیک ندیده بودند اما عاشق امام بودند. برای لبخند امام، رضایت امام و رفع نگرانی امام، جان شان را در طبق اخلاص گذاشته بودند و این تنها منحصر به امام نبود و چون می دانستند که فرمانده ای که دارند، منتصب به امام است، مثل امام از او اطاعت می کردند، چه فرمانده گردان بود یا گروهان و یا لشکر، تمردی در کار نبود" (همان:ص ۱۴۵) خود سردار سلیمانی که فرمانده بود، خویش را سرباز امام و فرمانبردارش می دانست و جانش را در طبق اخلاص می گرفت که تقدیم راهش کند. همانگونه که در خصوص ولی فقیه زمان، آیه الله امام خامنه ای (ادام الله ظلّه العالی) چنین باور راسخ و عمیقی داشتند. می فرمودند: "بزرگترین ارمغانی که امام خمینی (رض) به این ملت هدیه کرد که بعضی ها حماقت می کنند و نمی دانند چه می گویند، ولایت فقیه" است... مردم از من قبول کنید، من عضو هیچ حزب و جناحی نیستم و به هیچ طرفی جز کسی که خدمت می کند به اسلام و انقلاب تمایل ندارم. اما این را بدانید؛ والله! علمای شیعه را تماما و از نزدیک می شناسم... والله! شهدا، الله! سر آمد همه این روحانیت، این علما از مراجع ایران و مراجع غیرایران، این مرد بزرگ تاریخ یعنی "آیت الله العظمی خامنه ای" است." (همان:ص ۱۵۵) و در وصیت نامه اش نوشت: "برادران و خواهران عزیز ایرانی من، مردم پر افتخار و سربلند که جان من و امثال من، هزاران بار فدای شما باد، کما اینکه شما صدها هزار جان را فدای اسلام و ایران کردید؛ از اصول مراقبت کنید. اصول یعنی ولی فقیه، خصوصاً این حکیم، مظلوم، وارسته در دین، فقه، عرفان، معرفت؛ خامنه ای عزیز را عزیز جان خود بدانید. حرمت او را حرمت مقدسات بدانید" (شهید سلیمانی، وصیت نامه:ص ۱۱) چنانکه مولایش حضرت آیت الله خامنه ای در توصیف خصوصیات سپهد شهید قاسم سلیمانی با صحنه گذاشتن بر این خصیصه اش فرمود: «اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود، لکن بشدت انقلابی بود. انقلاب و انقلابیگری خط قرمز قطعی او بود؛ این را بعضی ها سعی نکنند کم رنگ کنند، این واقعیت او است؛ ذوب در انقلاب بود، انقلابیگری خط قرمز او بود. در این عوالم تقسیم به احزاب گوناگون و اسمهای مختلف و جناحهای مختلف و مانند اینها نبود اما در عالم انقلابیگری چرا، بشدت پایبند به انقلاب، پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل (رضوان الله علیه) بود.» (بیانات ۹۸/۱۰/۱۸ و.ر.ک: شهید سلیمانی، وصیت نامه:ص ۹) بنابراین این اعتقاد صرفاً فقهی و توضیح المسائلی نیست که البته در جای خود بسیار ارزشمند است، بلکه اعتقاد ریشه ای تر و عمیق تری است که از فقه اکبر به فقه اوسط و سپس فقه اصغر منتهی شده است. این است که فرمول اندیشه و عمل سلیمانی این است: "آن چیزی که مهم است "اتصال به ولایت" است." (همان:ص ۱۵۵) سردار سربلند آسمانی شهید سلیمانی عزیز سلوک امامت مدار و ولایت محور داشت و واقعا در مکتب امامین خمینی

و خامنه ای تربیت شد و به این مقامات بلند معنوی و اجتماعی - جهانی رسید (رودگر، ۱۲۹۹: ص ۱۹۰-۱۹۳).

۵-۹. زندگی سازی

از نظر اسلام، معنویت جدا از زندگی در این جهان وجود ندارد. همان طور که اگر روح از بدن جدا شود، دیگر متعلق به این جهان نیست و سرنوشتش را جهان دیگر باید معین کند، معنویت جدا از زندگی نیز متعلق به این جهان نیست و سخن از معنویت منهای زندگی در این جهان بیهوده است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۹۳) حال وقتی برنامه زندگی ما براساس تکلیف و رضای حق تنظیم شد، آن وقت خوردن ما، خوابیدن ما، راه رفتن ما، حرف زدن ما و خلاصه زندگی و مردن ما یکپارچه می شود اخلاق، یعنی یکپارچه می شود کارهای مقدس (مطهری، ۱۳۷۹: ص ۱۲۷) در اسلام عبادت به صورت یک سلسله تعلیمات جدا از زندگی که صرفاً به دنیای دیگر تعلق داشته باشد وجود ندارد، عبادات اسلامی با فلسفه های زندگی توأم است و در متن زندگی واقع است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱: ص ۲۹۲) مهم این است که خدا در زندگی انسان حضور و ظهور داشته و بر زندگی انسان حکومت کند و زندگی یک زندگی موحدانه باشد نه مشرکانه. چه اینکه کار برای خود کردن نفس پرستی است، کار برای خلق کردن بت پرستی است، کار برای خدا و برای خلق کردن شرک و دوگانه پرستی است، کار خود و کار خلق برای خدا کردن توحید و خداپرستی است (مطهری، ۱۳۷۸: ص ۸۳) معنویت اسلامی در تعارض «با زندگی» و بودن در جامعه نیست، بلکه اگرچه اصالت را به تزکیه نفس، تقوی، ارتباط با خدا و ... می دهد تا به وسیله آنها معنویت حاصل شود و این به عبادت، دعا و راز و نیاز، توبه و ... در خلوت تگه نیاز دارد، اما صرفاً به خلوت و خلسه محدود نمی شود، بلکه قلمرو تزکیه و تقوی، عبادت و دعا و ... تا متن جامعه و چالش های زندگی کشیده شده است و نگاه اسلامی به معنویت از این حیث نگاهی جامع و همه سونگرانه است و رشد و تکامل ابتدا باید در «درون» و سپس در «بیرون» شکل گیرد گرچه درون و بیرون به هم مرتبط هستند، لذا نه درون گرایی و نه برون گرایی محض در معنویت شناسی و معنویت گرایی اسلام ناب توصیه نمی شود. اسلام مکتبی جامع است و واقع گرا، در اسلام به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، عقلی و فکری یا احساسی و عاطفی، فردی و اجتماعی توجه شده است» (مطهری، ۱۳۸۱: ص ۶۳) و توجه به زندگی، دنیا و آخرت، و جهت گیری اخروی داشتن در همه مراحل و ساحت های زندگی لازم و از جمله پیام های پیامبر اسلام (ص) و ره آورد وحی و نبوت است (ر.ک: همو، ۱۳۷۳: ص ۱۷۵). زندگی یک واحد و همه شئونش توأم با یکدیگر است، صلاح و فساد هر یک از شئون زندگی در سایر شئون مؤثر است (همو، ۱۳۸۰: ص ۴۵۲ - ۴۵۱) حال معنویتی که در چنین مکتب و طرح زندگی ای ترسیم و تصویر می شود با زندگی در تعارض و با بودن در متن جامعه در تضاد است! یا باید اعتراف کرد که افراد مذهبی به معنای واقعی احساس اجتماعی (روح اجتماعی) در آنها از دیگران بیشتر است (همو، ۱۳۷۸، ج ۳: ص ۵۹۷) بنابراین در معنویت ناب اسلامی همچنان که تحجر و جمود اندیشی در بُعد بینشی نیست خلوت گزینی، زندگی گریزی، تنبلی و ویرانه نشینی، خراباتی و در یوزگی و گدایی و ... نیز نیست (ر.ک: همو، ۱۳۷۵: ص ۱۵۶) بنابراین اسلام یک دین زندگی گراست نه زندگی گریز، لذا با رهبانیت به شدت

مبارزه کرده است، در جامعه‌های کهن، همیشه یکی از دو چیز وجود داشت یا آخرت گرایی و زندگی گریزی [یعنی] رهبانیت و یا زندگی گرایی و آخرت گریزی [یعنی] تمدن و توسعه، اسلام آخرت گرایی را در متن زندگی گرایی قرار داد. از نظر اسلام راه آخرت از متن زندگی و مسئولیت‌های زندگی دنیا می‌گذرد (همو، ۱۳۷۸: ص ۱۲۸) و درحقیقت روش کسانی که تمام اسلام را در مفاتیح جست‌وجو می‌کنند و در دعا غلط است و روش کسانی که تمام اسلام که بکلی از دعا و عبادت و نافله و فریضه به یک باره استعفا داده‌اند و فقط می‌خواهند در مسائل اجتماعی اسلام بیندیشند، غلط است (همو، ۱۳۶۱: ص ۱۳۶۰، ۱۳۶۰: ص ۳۱۴، ۵۸) بنابراین بایسته است به بازخوانی معنویت اسلامی و تجدید نظر در قرائتی صوفیانه و زهدگروانه محض از معنویت، عرفان و سیر سلوک و تفسیر روشنفکرانه صرف از آن که یکی به معنویات و دیگری به اجتماعیات محض پرداخته و از بُعد دیگر غفلت کردند اهتمام ورزیم تا نه در دام افراط و نه در بند تفریط گرفتار نشویم. که معنویت جامع اسلامی از اجتماعیات جدا نیست و جامعه گرایی آن نیز از معنویت تفکیک نشده است و معنویت در منطق قرآن با زندگی تجاری و سیاست و کار و کسب حلال و سالم سازگاری داشته و نه تنها بازدارنده نیست بلکه وادارنده به سوی کار و تولید ثروت و توزیع عادلانه آن است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۶: ص ۴۷۷) آری سلوک معنوی در متن زندگی می‌تواند متن زندگی را به سلوکی معنوی تبدیل کند و تمامیت زندگی از خواب و بیداری تا خوراک و پوشاک را در شبکه معنویت قرار دهد. معنویت روح زندگی اسلامی و معنادهنده بدان است و سردار آسمانی، سلیمانی عزیز، نمونه عینی چنین زندگی ای بود.

۱۰-۵. جهادی بودن

سردار سلیمانی بر روی واژه‌ها هم تکیه کرده و در کاربرد و معنای آنها حساسیت خاصی داشت. یکی از آن واژه‌ها، واژه "جهاد" بود. او به درستی بر این باور بود که بین واژه جهاد و جنگ به عنوان یک عمل نظامی خیلی تفاوت است. می‌گفت "جهاد" ویژگی‌ها و ساختار خود را دارد و همه اعمال جبهه را در هشت سال دفاع مقدس، حتی اعمال نظامی را بر پایه "جهاد" دیده و معنا می‌کرد و معتقد بود جهاد است که بن بست‌ها را می‌شکند، عمل نظامی بن بست دارد، ولی جهاد بن بست ندارد. در عمل نظامی، عقل نظامی به ما اجازه عملیات‌هایی مثل بیت المقدس، فتح المبین، طریق القدس، والفجر ۸، کربلای ۵ و... را نمی‌داد (ر.ک: اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸: ص ۱۴۱) لذا باور داشت که در جنگ به عنوان قالب اصلی ظرف جبهه پنج پایه مهم مطرح است: ۱- جهاد ۲- اخلاق ۳- معنویت ۴- عبودیت ۵- ولایت. آنگاه هر کدام از این پایه‌های پنجگانه را با ذکر مثال تبیین می‌کرد و مصادیقی برای آنها ذکر می‌کرد (همان، ۱۴۳-۱۴۷) و بیان کرد که این ۵ عامل باعث شد سه ویژگی از درون جنگ بروز کند:

اول معنویت زایی، دوم اندیشه زایی و سوم موفقیت و کارآمدی بیشتر رزمندگان و نیروهای جهادی جبهه در مدیریت‌های اجتماعی (ر.ک: همان، ص ۱۴۷-۱۵۰) یا استاد شهید مطهری می‌فرمایند: "در باب جهاد است: الْمُجَاهِدُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ مُجَاهِدًا كَسَى اسْتِ بِأَنَّ نَفْسَهُ جَاهِدَ كُنْد. مجاهد کسی است که در مبارزه درونی که همیشه در همه انسانها وجود دارد (از یک طرف نفس و از طرف دیگر عقل) بتواند با نفس اماره خود، با هواهای نفسانی خود مبارزه

کند. امیرالمؤمنین می‌فرماید: اشجعُ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ شجاعترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود پیروز شود. شجاعت اساسی آن است" (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۳: ص ۵۹۳) و فرمود: "جهاد اسلامی، صرف شمشیرزدن و با دشمن اسلام جنگیدن نیست. [جنگیدن] در راه خدا و به قصد رضای خدا جهاد است" (همان: ص ۵۸۳) و سردار سلیمانی عزیز مجاهد جبهه درون و سپس جبهه بیرون بود و این جهاد را با شجاعت و عقلانیت، با شهامت و تدبیر تا آخرین لحظات عمر گرانمایه اش تداوم بخشید، به گونه ای که مولا و مرادش مقام معظم رهبری در تبیین خصایص شهید سلیمانی، «شجاعت» و «تدبیر» را دو ویژگی برجسته او برشمردند و یادآوری کردند: "برخی شجاعت دارند اما تدبیر و عقل لازم را برای به کار بردن شجاعت ندارند و برخی اهل تدبیرند اما اهل اقدام و عمل نیستند و دل و جگر کار را ندارند" و فرمود: "حاج قاسم از دفاع مقدس تا پایان عمر با شجاعت به دل خطر می‌رفت اما در عین حال با تدبیر و فکر و منطق عمل می‌کرد و نه تنها در میدان نظامی بلکه در میدان سیاست هم شجاعت و تدبیر توأمان داشت و سخنانش قانع کننده، منطقی و تاثیرگذار بود که بنده این واقعیت را بارها به دوستان فعال در عرصه سیاسی گفته‌ام" (بیانات امام خامنه ای: ۱۸ دی ۱۳۹۸) آری لازمه انقلابی و جهادی بودن، باید شجاع، مدبر و اهل معنویت اسلامی بود زیرا به تعبیر استاد مطهری: «روح نهضت را اسلام تشکیل می‌داد» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۴: صص ۱۵۴-۱۲۶)، «یعنی روح این انقلاب را چه از جنبه مادی، چه از جنبه آزادی خواهانه و چه از جنبه های دیگر، اسلام تشکیل می‌دهد. در این صورت، تداومش هم در آینده باید بر همین مبنا و اساس باشد؛ یعنی همه باید کوشش کنیم آن را اسلامی کنیم ولی نه اسلامی یک جانبه...» (همان، ص ۱۵۶) و یا فرمود: «اسلام چون دین است، یک معنویت است و در کنار سایر عناصر قرار می‌گیرد... اسلام یک مکتب جامع است...» (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲۴: ص ۲۴) به تعبیر ایشان: «نهضت خدایی باید برای خدا آغاز و برای خدا ادامه یابد و هیچ خاطره و اندیشه غیر خدایی در آن راه نیابد تا عنایت و نصرت الهی شاملش گردد...» (همان، ص ۹۳)، ناگفته پیداست که جهاد در مکتب سلیمانی، جهاد هماهنگ و مترابط درون و بیرون در جبهه های سخت و نرم است که تا مجاهد صاحب قدرت نرم "نباشد، توانائی مقاومت در جبهه سخت را ندارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

معنویت متعالیه، معنویت جامع و کامل متناظر به همه ساحات و سطوح وجودی انسان است. این معنویت فطری، عقلانی، جهادی و تمدنی، عدالت محور، معتدل، ولایتی و انقلابی، زندگی ساز و مبتنی بر درک و درد خدا، یاد خدا در همه حالات و آنات است، از آنجائی که سردار سلیمانی با آثار استاد شهید محشور بود و افکار آن استاد شهید از حیث معرفتی تار و پود زیست او را تشکیل می‌داد (بیان این نکته نه بدان معناست که افکار امام و اندیشه های مقام معظم رهبری در شاکله فکری سردار نقش آفرین نبوده اند، بلکه بدین معناست که بیشترین و بهترین تاثیر گذاری و نقش آفرینی را اندیشه و آثار شهید مطهری داشته است) در مکتب سلیمانی معنویت از حیث نظری و عملی با فهم و قرائت استاد شهید مطهری (رض) و گفتمان انقلاب اسلامی شکل و شاکله یافت که در طول سالهای متمادی در متن زندگی



فردی و اجتماعی اش تجلی پیدا کرد. معنویت در مکتب سلیمانی، معنویت در عرصه یا انتزاعی - انضمامی بود، نه معنویت در خلصه و انتزاعی محض. معنویت تجربه شده در جنگ سخت و نرم که می تواند بیمه کننده جامعه اسلامی - انقلابی در حرکت بسوی تمدن نوین اسلامی باشد. معنویت در متن مقاومت فعال که امنیت و استقلال را در عرصه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، دفاعی، مدیریتی و معیشتی بدنبال دارد. به هر حال معنویت در مکتب سردار دلها، معنویت معطوف به اندیشه توحیدی، انگیزه توحیدی و انگیزه توحیدی است تا "قیام لله" را تحت عنوان سلوکی "یقظه" و تعبیر "مراقبه سلوکی" در مسیر شدن اشتدادی نشان داده و ما را به جستجوی نشانی هایش در زیست سلیمانی عزیز و اوار سازد و به این پرسش همگان پاسخ دهد که سردار سلیمانی در سایه معنویت متعالیه، سردار سلیمانی و محبوب دلها و اوسوه حسنه حیات طیبه جهادی - انقلابی شد. نوشتار حاضر در حد و ظرفیت خود متکفل بیان و تبیین ماهیت معنویت متعالیه از رهگذر مختصات آن با عطف به زیست سردار بود و در مجموع به این نتیجه دست یافت که معنویت و حیانی، معنویت متعالیه و دربردارنده همه جنبه های وجودی انسان و تأمین کننده "حیات طیبه" است و این معنویت درون گرا، جامعه گریز، زندگی سوز، جهادستیز، ظلم پذیر نیست، بلکه درون گرای برون نگر، جامعه گرا، جادمدار، زندگی ساز، ظلم ستیز و بالاتر عدالت گستر است، معنویتی که با عدالت و سیاست نیز گره خورده و همه این حقایق را در بر تو ولایت بعنوان استمرار اصل امامت جامعه عمل و عینیت می پوشاند.

منابع

- قرآن
- نهج البلاغه
- جمال الدین محمد خوانساری؛ ۱۳۷۳، شرح غررالحکم؛ عبدالواحد آمدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- خامنه ای {آیه الله}، سیدعلی، بیانات مندرج در سایت مقام معظم رهبری
- رودگر، محمدجواد، ۱۳۹۹، سلوک در مکتب سلیمانی، تهران، موسسه دانش و اندیشه معاصر
- علی اکبری مزدآبادی، ۱۳۹۸، حاج قاسم (جستاری در خاطرات شهید حاج قاسم سلیمانی)، تهران، نشر یازدهرا (س).
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، مجموعه آثار، ج ۲، تهران، انتشارات صدرا، تهران؛
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، مجموعه آثار، ج ۳، تهران، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، مجموعه آثار، ج ۴، تهران، انتشارات صدرا، تهران.
- مرتضی مطهری، ۱۳۷۸، مجموعه آثار، ج ۱۶، تهران، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، مجموعه آثار، ج ۲۲، تهران، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۳، مجموعه آثار، ج ۲۳، تهران، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۵، مجموعه آثار، ج ۲۴، تهران، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مجموعه آثار، ج ۲۶، تهران، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، یادداشتهای استاد مطهری، ج ۱۱، تهران، انتشارات صدرا
- مرتضی مطهری، ۱۳۷۸، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۰، ده گفتار، تهران، انتشارات صدرا

- فلسفه تاریخ، ج ۱، سال ۱۳۷۰، تهران، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۹، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۱، خاتمیت، تهران، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۳، نبوت، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۰، پانزده گفتار، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۶۱، اسلام و نیازهای جهان امروز، تهران، انتشارات صدرا
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۶، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، تهران، انتشارات صدرا
- انسان کامل، مرتضی مطهری، ۱۳۷۵، تهران، انتشارات صدرا
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۴، بحر الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۷، مجموعه آثار، ج ۲۶، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۸۲، ش، انسان کامل، تهران، انتشارات صدرا.